



### «آقا بزرگ تهرانی» علامه‌ای که 40 سال شام نخورد

چیزی که علامه به آن نمی‌اندیشید، راحتی و رفاه بود. آقا بزرگ تهرانی حتی فرصت شام خوردن را در شب‌ها نداشت و می‌گفت: «چهل سال است که شام نمی‌خورم.»

سالروز وفات علامه &#171;آقابزرگ تهرانی»

&#171;آقا بزرگ تهرانی» علامه‌ای که 40 سال شام نخورد

چیزی که علامه به آن نمی‌اندیشید، راحتی و رفاه بود. آقا بزرگ تهرانی حتی فرصت شام خوردن را در شب‌ها نداشت و می‌گفت: &#171;چهل سال است که شام نمی‌خورم.»

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، سیزدهم ذی‌الحجه مصادف است با سالروز وفات علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، معروف به صاحب الذریعه که نام اصلی وی محمد محسن بود و بعدها &#171;منزوی» لقب گرفت، از دانشمندان کتاب‌شناس قرن چهاردهم هجری است و با تألیف دایرةالمعارف بزرگ الذریعه و کتاب طبقات &#171;اعلام الشیعه» گام بزرگی در شناسایی آثار و نسخ خطی اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم برداشت.

### \* تندیس تلاش و تحقیق

شیخ آقا بزرگ به حقیقت مردی خستگی ناپذیر و نستوه بود. همیشه در تلاش و تکاپو و شیفته کار و تحقیق بود. اگر مجموعه آثار ماندگارش یک جا گردآوری و تحقیق شود سر به صد جلد خواهد زد. او از همان نخستین روزهای ایام جوانی دست به استنساخ ده‌ها نسخه کمیاب و کتاب معتبر زد و تا آخر عمرش که قلمتش از خمیدگی حالت رکوع دایم یافته بود باز سر در کتاب و دست در قلم داشت.

با این همه کار و کوشش، خانه‌ای بی‌آلایش و بسیار ساده داشت و همیشه دور و برش آکنده از اوراق و اسناد و دفاتر بود و کتاب‌ها چون ستارگان بی‌شماری او را که براستی ماه تابان در آسمان تحقیق و تألیف بود را همیشه در حصار تماشایی خویش داشت. خانه ساده او پناهگاه پژوهشگران و مرجع محققان بود. درب خانه و کتابخانه آقا بزرگ تهرانی پیوسته به روی محققان باز بود. چیزی که شیخ به آن نمی‌اندیشید راحتی و رفاه بود. محقق تهرانی حتی فرصت شام خوردن را در شب‌ها نداشت و می‌گفت: &#171;چهل سال است که شام نمی‌خورم.»

از سید محسن امین عاملی، نویسنده &#171;اعیان الشیعه» نقل می‌کنند که گفت:

&#171;برای تهیه اسناد اعیان الشیعه که به شهرها سفر می‌کردم، در کربلا به کتابخانه شیخ العراقین وارد شدم و از متصدی آن خواستم که یک هفته کتابخانه را در اختیار من بگذارد. پذیرفت مشروط بر اینکه در این هفته میهمان او باشم. شبی به من اطلاع داد امشب میهمان دیگری هم داریم و آن &#171;شیخ آقا بزرگ» بود که اسمش را شنیده بودم. هنگامی که او را زیارت کردم و بحثی میان ما درگرفت فهمیدم که او تنها یک فهرست‌نگار نیست بلکه اطلاعات فقهی، اصولی و فلسفی وسیعی نیز دارد. از این رو مسرور شدم.

ساعت چهار و نیم شب بود که خستگی بر من غالب شد و خوابیدم. از خواب که برخاستم دیدم شیخ آقا بزرگ نخوابیده و همچنان مشغول یادداشت‌برداری است. از او پرسیدم نمی‌خوابید؟ فرمود: من هنوز نشاط دارم و نخوابید. ما هفت شبانه‌روز در آنجا بودیم. ایشان استراحت منظمی نداشت و می‌فرمود ما برای استراحت به اینجا نیامده‌ایم و من با وجود اینکه پرکار بودم به ایشان غبطه

\* آقا بزرگ تهرانی، عالمی که به دلیل انتقاد از کتابش از چاپ آن چشم‌پوشی کرد

داشتن روحیه انتقادپذیری و سعه صدر، یکی دیگر از صفات بارز علامه آقا بزرگ تهرانی بود تا آنجا که در برابر انتقاد علامه &#171;کاشف الغطاء» از انتشار کتابش &#171;النقد اللطیف» و ترجمه آن چشم‌پوشی کرد و هیچ اندوهگین نشد از استبداد رأی و خودمحوری اجتناب می‌کرد. از اخبار روزگارش آگاه بود و خطوط سیاسی عصرش را می‌شناخت و در نهضت مشروطه در صف مشروطه خواهان و از طرفداران آخوند خراسانی بود و در قیام &#171;میرزا محمدتقی شیرازی» که به استقلال عراق انجامید شرکت داشت. زمانی که مدارس به سبک جدید، یکی پس از دیگری در شهرهای مسلمان نشین تأسیس می‌شد خرسندی خویش را اعلام داشت و مردم را به شرکت در این کار خیر و عمومی فرا خواند.

\* غریو غیرت و نور

پیش‌ترها حاجی خلیفه دائرة المعارفی را در کتاب‌شناسی مسلمانان ترتیب داده و آن را با نام &#171;کشف الظنون» منتشر ساخته بود. وی از سر تعصب مذهبی، بسیاری از آثار شیعه را نادیده گرفته و هیچ نامی از آنها به میان نیاورده بود و گاه گاهی هم اگر از کتاب‌های شیعه یاد می‌کرد بسیار گذرا و همراه با تحقیر و تحریف بود. به همین علت یکی دیگر از مخالفان شیعه، از سر غرضورزی و عناد نوشته بود:

&#171;شیعه را آثار یا کتاب‌هایی نیست تا آیندگان آنها بتوانند در علوم مختلف از آنها سود برند و آنها به ناچار طفیلی دیگران بوده و بر سر سفره دیگران می‌نشینند و ...». جرجی زیدان، نویسنده معروف مسیحی نیز، جسارت و جفا را در این اجحاف و حق‌کشی از حد گذراند. وی پا را از همه فراتر نهاد و با غرضورزی، در کتاب خود &#171;تاریخ آداب اللغة» چنین نوشت: &#171;شیعه طایفه‌ای بود کوچک و آثار قابل اعتنایی نداشت و اکنون شیعه‌ای در دنیا وجود ندارد!»

اینجا بود که غیورمردان بزرگی از اندیشمندان معاصر شیعی قیام کردند تا جواب دندان‌شکنی به آن یاهو سرایی‌ها دهند آنان با غیرت دینی، دست به خلق آثاری زدند که هر یک چون آذرخشی در آسمان فرهنگ و ادب غریزند و درخشیدند و آتش به خرمن خرافه باقان زدند. این شد که شیخ آقا بزرگ و دو همردیف و دوست علمی‌اش، سیدحسن صدر و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، هم‌پیمان شدند تا هریک در باب معرفی شیعه و فرهنگ غنی تشیع، کاری را به عهده گیرند و سخن این نویسنده مغرض را به دهنش باز پس بکوبند.

قرار شد علامه &#171;سید حسن صدر» درباره حرکات علمی شیعه و نشان دادن سهم آنان در تأسیس و تکمیل علوم اسلامی تحقیق کند. ثمره کار او کتاب &#171;تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام» شد. این کتاب در سال 1370 هجری قمری در 445 صفحه چاپ شد و شیخ آقابزرگ در چاپ آن نیز دخالت داشت. اما علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء قرار شد کتاب &#171;تاریخ آداب اللغة» جرجی زیدان را نقد کند و اشتباهات وی را باز گوید. وی این کار را کرد و نقدی جامع و علمی بر هر چهار جلد کتاب زیدان نوشت ... اما شیخ آقا بزرگ - از میان این سه یار علمی - متعهد شد فهرستی برای تألیفات شیعه بنویسد.

و چنین بود که کار بزرگ و جامعی با نام &#171;الذریعه» در فرهنگ شیعه آغاز شد که حاوی فهرست دیوان‌های شاعران شیعه است، شمار جلدهای الذریعه به 29 جلد می‌رسد.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، روز جمعه 13 ذیحجه 1398، پس از 96 سال عمر با عزت که بیشتر آن را در کتابخانه‌ها و با کتاب و قلم گذرانده بود دار فانی را وداع گفت و در نهایت نیز در میان کتاب‌ها در کتابخانه عمومی خود به خاک سپرده شد. آن روز غمبار، در مدارس رسمی نجف هم برای نخستین بار، به خاطر تکریم مردی از مردان بزرگ دین و دانش، تعطیل شد و شاعران و سخنوران در مجالس بسیاری که تا چهل درگذشت او در شهرهای مختلف عراق و ... برگزار شد، داد سخن دادند.